

هیگلارد روانشناس آمریکایی در یک تعریف جامع یادگیری را اینگونه تعریف می کند: یادگیری یعنی تغییر نسبتاً پایدار در رفتار که بر اثر تجربه در تواناییهای بالقوه فرد بوجود می آید.

یادگیری در زندگی انسان چه نقشی دارد؟

نقص یادگیری در همه صحنه های زندگی نمایان است. یادگیری تنها آموختن مهارتی خاص با مطالب درسی نیست، بلکه در رشد هیجانی، رشد شخصیتی، تعامل اجتماعی انسان دخالت دارد. انسان یاد میگیرد که از چه چیزی بترسد، چه چیزی را دوست بدارد و کجا چگونه رفتار کند. در واقع نوزاد از همان لحظه تولد درگیر فرایند یادگیری می شود و این توانایی است که باعث پیشرفت و تفاوت روزانه او تفاوت انسانهای یک نسل از انسانهای قبل از خودشان می شود.

تاریخچه و تعریف اختلالات یادگیری

از اوایل دهه سال ۱۹۶۰ مطالعه درباره کودکانی که علیرغم داشتن هوش عادی قادر به تحصیل و یا ادامه آن بدون بهره گیری از آموزشهای ویژه نبودند، یا روزی مطالب را به خوبی فراگرفته و روز دیگر آنها فراموش می کردند و یا در بعضی دروس نمرات قابل قبول و خوب داشته و در بعضی مردود می شدند شروع شده است.

ویژگی های کودکان با اختلالات یادگیری:

۱. علیرغم هوش عادی و قابل قبول در یادگیری ناتوان هستند.
۲. عدم موفقیت تحصیلی ارتباطی به عواملی مانند مسائل اقتصادی، خانوادگی، افسردگی یا اضطراب دوران کودکی، اختلالات حسی و معلولیت های حرکتی که مانعی در پیشرفت تحصیلی هستند ندارد.
۳. ناتوانی های یادگیری اکثراً همراه با بی قراری، بیتوجهی و بی دقتی است. علی را که برای شکست این کودکان در امر یادگیری شایسته ذکر است چنین می توان خلاصه کرد:

(الف) فقدان انگیزش کافی

(ب) فقدان توجه ودقت بیش از اندازه به جزئی از کل

(ج) فقدان هماهنگی لازم در حرکات

(د) وراثت و مسائل ژنتیکی

(ه) مشکلات بیوشیمیایی

(و) عدم تعادل هورمونی

مشکلات این کودکان به این صورت است که سریعاً آمادگی خود را برای برداشت اطلاعات مهم و انجام تکالیف طولانی از دست می دهند، در سئوالات چند جوابی سعی می کنند اولین جواب را از تمرین و مرور ذهن و دسته بندی لغاتی که با یکدیگر ارتباط دارند استفاده نمی کنند و در نتیجه دچار نارسایی حافظه و محرکهای شنوایی و بینایی می شوند.

بی ثباتی، تغییرات در خلق و خو، عدم تمایل به اجتماعی شدن، انتظار شکست درموقعیت های جدید، تسلیم شدن در صورت مواجه شدن با مسائلی که به آسانی قابل حل نیست و به جای تلاش و پافشاری در پیدا کردن راه حل شکست را قبول می کنند.

اختلال در مهارتهای تحصیلی ممکن است مربوط به ضعف در رشد خواندن یا نوشتن و یا مربوط به ضعف رشد در ریاضیات باشد که به شرح هر یک به طور جداگانه خواهیم پرداخت:

(الف) اختلال مربوط به رشد خواندن و نوشتن: از آنجاییکه مشکلات خواندن در ارتباط با بسیاری از مشکلات گفتاری و نوشتاری است نام های مختلفی برای این دسته از مشکلات وجود دارد که متداولترین و سردسته آنها خوانش پرشی است. خوانش پرشی صرفاً سندرم آموزشی است و با آغاز خواندن و نوشتن کودک شروع می شود و کودک هنگام نوشتن بیشتر از خواندن دچار مشکل می گردد.

درخوانش پرشی یک ناهمخوانی معنا دارد پایین تر از ظرفیت فکری کودک با عملکرد درخواندن وجود دارد. این افراد در بازشناسی و خواندن کل واژه ها (زبان پرشی واژه شناختی) و ارتباط بین حروف و صدای آنها در واژه های نا آشنا و خواندن پریشی واج شناسی، مشکل دارند. ناتوانی در یادآوری و یا نتیجه گیری مطالب خوانده شده و یا پاسخ دادن به پرسشهایی درباره داستان اکثراً با اشکال انجام می گیرد.

خوانش پرشی در پسران چهار برابر بیشتر از دختران و در کودکان سنین دبستانی در آمریکا و کانادا بین ۳ تا ۱۵ درصد گزارش شده است.

مشخصات بالینی کودکان با اختلالات خواندن:

۱. نارسا می خوانند (حذف و یا اضافه کردن حروف و یا تحریف های لغتی)
۲. مشکل در تشخیص حروف چاپی دارند (ولی قادر به رونویسی کردن از روی حروف هستند)
۳. در دستورالعمل های پیچیده دستوری ضعف دارند(در استنباط و استنتاج)

۴. سرعت خواندن آنها کند است.

۵. هجی کردن آنها بسیار ضعیف است.

۶. ممکن است یک واژه را از وسط یا انتهای یک جمله نوشته شده و یا چاپ شده شروع کند.

۷. حروف را پس و پیش می خوانند.

۸. اشکال در فراموش کردن مفاهیم کلمات خوانده شده دارند.

۹. سرعت قرائت آنها کم و غالباً با حداقل فهم همراه است.

مشکلات بالینی کودکان با اختلال نوشتن:

۱. اشتباه نوشتن کلمات هم صدا

۲. عدم دقت در دندان کلمات و نقطه ها

۳. زیاد و کم کردن حروف در دیکته نویسی

۴. نوشتن حروف بر اساس آنچه که می شنود.

۵. جا انداختن حروف یا کلمه

۶. قرینه نویسی

۷. وارونه نویسی

۸. بدخط و ناخوانا نوشتن حروف و کلمات

۹. اشتباه در هجی کردن

(ب) اختلال مربوط به رشد ریاضیات یا ناتوانی در یادگیری ریاضیات: یک اختلال جدی در مهارتهای ریاضی است که با سن تقویمی و هوش کودک توجیه پذیر نیست و عملکرد در مهارتهای ریاضی به شکل معنی دار پایین تر از ظرفیت فکری و پایه تحصیلی او است. کودکانی که ناتوانی در ریاضی دارند به میزان کودکانی که ناتوانی در خواندن یا گفتار دارند از نظر اجتماعی معیوب به نظر نمی رسند.

این دسته از کودکان صرف نظر از اختلال در مهارتهای ریاضی ممکن است درمهارتهای دیگر تحصیلی از جمله خواندن، نوشتن، هجی کردن مشکل داشته باشند ولی درجه آن به میزان مشکل موجود در ریاضی نیست. اختلال در توجه و اختلالات رفتاری و ارتباطی نیز ممکن است با مشکلات ریاضی ارتباط کامل داشته باشد. میزان شیوع ناتوانی در یادگیری ریاضی از نیم درصد کودکان تجاوز نمی کند.

مشخصات بالینی کودکان با اختلالات ریاضیات

۱. اشکال در یادگیری شمردن معنادار

۲. اشکال در یادگیری تسلط به نظم اعداد اصلی و ترتیبی

۳. قاطی کردن علائم ریاضی (جمع، تفریق، ضرب و تقسیم)

۴. اشکال در تحلیل مطالب

۵. اشکال در تداعی علائم شنیداری و دیداری

۶. اشکال در درک نگهداری تعداد

۷. عدم انجام محاسبه با سرعت موردانتظار

۸. اشکال در حافظه و توجه

۹. اشکال در شمارش پول و گفتن زمان

علام بالینی اختلال یادگیری

سن پیش دبستانی

- نسبت به بچه های دیگر، دیرتر صحبت می کند.

- هنگام محاوره برای یافتن کلمات صحیح ناتوان است.

- نمی تواند در یک بسته بندی خاص، کلمات را به سرعت نام ببرد.

- در قافیه ساختن مشکل دارد.

- در یادگیری الفبا، روزهای هفته، رنگ ها، شکل ها و اعداد مشکل دارد.

- فوق العاده بیقرار است و براحتی حواسش پرت می شود.

- نمی تواند از دستورات یا قواعد پیروی کند.

کودکستان تا کلاس چهارم

- در یادگیری ارتباط بین حروف و صداها کند است.

- نمی تواند صداها را با هم ترکیب کند تا کلمات را بسازد.

- اشتباهات ثابتی در خواندن و هجی کردن دارد.

- مشکلاتی در به یاد آوردن توالی ها و زمان دارد.

- در یادگیری مهارتهای جدید کند است.

- در برنامه ریزی مشکل دارد.

کلاس پنجم تا سوم راهنمایی

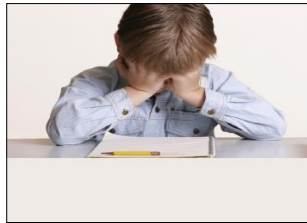
- در یادگیری پیشوندها، پسوندها، ریشه کلمات و سایر روش های خواندن کند است.

- از خواندن با صدای بلند پرهیز می کند.



مؤسسه توانبخشی ولیعصر (عج)

اختلال یادگیری LEARNING DISORDER



تنظیم کنندگان: زهرا سلطانهلی پور - شیرین علائی فر - فریده مقصودی

در تغییر ذهنیت منفی خود نیاز به کمک دارند.
کاهش رفتار پرخاشگرانه و ایذایی:

ریشه های پرخاشگری دوران کودکی، گوناگون است. اگر کودکان شیوه ای دیگر برای ابراز ناکامی خود نیابند، به برون ریزی هیجانی می پردازند.
مهارت‌های اجتماعی ضعیف همچنین می تواند منجر به رفتار پرخاشگرانه گردد.
پرخاشگری در اوایل دوران کودکی به هر علتی که صورت گیرد، هشدار جدی است که بر وجود مشکلات مهم دلالت میکند و توجهی فوری می طلبد.

دفتر مرکزی: ۸۷۷۳۱۰۳

امید عصر: ۸۷۸۲۴۳۹

نوید عصر: ۵۵۳۶۳۹۰۷

<http://www.vrf.ir>
info@vrf.ir

- در ریاضیات با مساله های نوشتنی مشکل دارد.
 - در قسمت واحدی از یک متن نوشته شده یک کلمه را بصورت های مختلفی هجی می کند.
 - از تکالیف خواندنی و نوشتنی پرهیز می کند.
 - در به یادآوری و درک آنچه خوانده است، مشکلاتی دارد.
 - کارها را به کندی انجام می دهد.
 - مشکلاتی در درک، یا تعمیم دادن مفاهیم دارد.
 - دستورات و اطلاعات را اشتباه می خواند.
- نارسایی های یادگیری و اختلال های هیجانی**

مدرسه بخش عمده ای از زندگی کودک را تشکیل می دهد. تجربه های مدرسه، بر تحول نخستین کودک تاثیر دارد. منطقی به نظر می رسد کودکی که در یادگیری با دشواری قابل توجهی روبرو می شود، با پی آمدهای منفی آن در آینده مواجه خواهد شد. در واقع، تحقیقات نشان داده است که تعدادی از مشکلات هیجانی خاص در افراد مبتلا به نارسایی های یادگیری با فراوانی بیشتری مشاهده می شود. به طور ویژه، ممکن است تلاش های کودک برای مقابله با اختلال یادگیری و شکست های پی در پی ناشی از آن به مشکلات هیجانی از قبیل افسردگی، اضطراب، حرمت خود پایین، پرخاشگری و ... منجر شود.
پرورش حرمت خود:

هدف کلی اینگونه مداخله ها باید ساختن خود پنداره کودک باشد، بدون اینکه خود محوری کودک را تقویت کند و به رد دیگران بپردازد.
به علاوه بایستی اضافه کرد که، دانش آموزان مبتلا به نارسایی های یادگیری در مقایسه با همسالان بدون نارسایی، مفهوم خود و حرمت خود ضعیف تری دارند. ممکن است این امر ناشی از شکست های مکرری باشد که این کودکان تجربه می کنند. در ضمن ممکن است دانش آموزان مبتلا به نارسایی های یادگیری، نارسایی های خود را تعمیم دهند و یک تصویر کلی منفی از خود داشته باشند.
سئوالات مختلفی مطرح می شود که برای درمان و حل مشکل این افراد چه باید کرد؟ آنچه مهم است این است که بدانیم راهبردهای مختلفی استفاده می شود که بسته به نگرش کودک، خانواده محیط دوستان میتواند متفاوت باشد. در تلاش های صورت گرفته به منظور ترمیم و حمایت از کودکان مبتلا به نارسایی های یادگیری، این نکته مهم است که بدانیم این کودکان نیز دارای استعدادها و توانایی های منحصر به فرد بوده که با نارسایی های آنها ارتباطی ندارد و گاهی اوقات این تواناییها به راحتی به فراموشی سپرده می شود.
مقابله با افسردگی و اضطراب:

هنگامی که به افسردگی دوران جوانی می اندیشید، ممکن است جوانی غمگین و کناره گیر را تصور کنید، ولی این تصویر در مورد کودکان کم سن و سال تر صدق نمی کند. کودکان پیش دبستانی افسرده ممکن است بیش فعال و پرخاشگر یا نافرمان به نظر آیند که این امر تا حدودی به این علت است که آنها مهارت زبانی مناسب برای ابراز احساسات خود ندارند.
کودکانی که افسردگی و اضطراب ناشی از نارسایی های یادگیری را تجربه می کنند،